

# علم أصول الفقه

٣٣

٢٣-٩-٨٨ تعارض الحجج

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- و التعارض كما يمكن أن يفرض بين دليلين لفظيين كذلك يمكن أن يفرض بين دليلين عقليين، أو دليل عقلي و دليل لفظي.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- أما التعارض بين دليلين عقليين، فلا بد و أن يفرض فيهما عدم كونهما معاً قطعيين بأن يكون أحدهما أو كلاهما ظنياً قام الدليل على حجيته تبعداً.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- و حينئذ، فإن كان أحدهما قطعياً و الآخر ظنياً كان الدليل القطعي وارداً على الدليل الظني، لأن التعارض يقع - في الحقيقة - بين الدليل العقلي القطعي و دليل حجية ذلك الظن، و قد أخذ في موضوع دليل الحجية الشك، و الدليل القطعي رافع له حقيقة.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- و أما لو كانا ظنيين معاً، فيرجع التعارض بينهما إلى التعارض بين الدليلين الاجتهاديين الدالين على حجيتهما، فلا بد من تطبيق قواعد التعارض عليهما.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- و أما التعارض بين دليل عقلي و دليل لفظي، فإن كان الدليل العقلي قطعياً كان وارداً على الدليل اللفظي أيضاً لعين الملاك المتقدم،
- و إن كان اللفظي قطعياً و العقلي ظنياً انقلبت النسبة و كان اللفظي وارداً على العقلي الظني، لنفس السبب،
- و إن كانا ظنيين معاً كان التعارض في الحقيقة بين دليل حجيتهما، فتطبق عليهما قوانين باب التعارض.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- و الفرق الأساسي بين حالات التعارض في الأدلة اللفظية، و حالات التعارض في غيرها، أن ملاكات الجمع العرفي - باستثناء الورود - لا تتصور في غير الأدلة اللفظية الكاشفة عن مراد الشارع - على ما سوف تأتي الإشارة إليه في محله إن شاء الله تعالى -

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- فإن إمكانية الجمع العرفي في حالة تعارض عقليين ظنيين أو عقلي ظني و لفظي ظني إنما تتوقع في رتبة دليلى الحجية للمتعارضين إذا كانا لفظيين لا في رتبة نفس المتعارضين، و هذا بخلاف حالة تعارض الدليلين اللفظيين، فإنه قد تكون إمكانية الجمع العرفي بينهما بنحو لا يستقر التعارض و لا يسرى إلى دليل الحجية.



## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ...اگر مراد گوینده - بر حسب نص، یا ظاهر بودن سخن او - بر ما روشن شد، و گوینده مصون از خطا بود و ما آنچه را از سخن او فهمیده می شود با برخی اطلاعات دیگر - قطعی یا ظنی - پیرامون خود موضوع سخن، یا گوینده آن ناسازگار یافتیم، چهار صورت متصور است:

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۱ - سخن ظاهر و آن اطلاعات یقینی و قطعی باشد، در این حال ما سخن را بر معنایی خلاف ظاهر آن که با آن داده‌های یقینی سازگار باشد، حمل می‌کنیم.\*
- \*مانند آیه شریفه “ ید الله فوق ایدیهم ”

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۲ - سخن نص و اطلاعات منافی با آن ظنی باشد، در این صورت ما آن اطلاعات ظنی را که در معارضه با «نص» است، تخطئه خواهیم کرد.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۳ - سخن ظاهر و اطلاعات منافی با آن ظنی باشد، در اینجا ما آن ظاهر را مادامی که دلیلی بر خلاف آن یافت نشود، حفظ خواهیم کرد.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ٤ - سخن نص و داده‌های ناسازگار با آن یقینی باشد،
- چنین احتمالی هر چند در عالم فرض متصور است، اما در واقع رخ نمی‌دهد؛ زیرا مستلزم یقین به دو امر متضاد است و چنین چیزی محال می‌باشد. از این رو، اگر در موردی چنین چیزی در بدو امر رخ دهد، پس از التفات به ناسازگاری مفاد سخن با اطلاعات مزبور یکی از حالات فوق پیش می‌آید؛ یعنی یا سخن از نص بودن خارج، و یا یقین به آن داده‌ها زایل می‌شود و امکان دارد هر دو امر نیز تحقق پیدا کند.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- البته اگر گوینده انسان عادی و جایز الخطا باشد، در تمام این موارد، می توان او را تخطئه کرد؛ یعنی حتی نصّ او ممکن است در تنافی با یک اطلاع ظنی مردود شمرده شود.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- اقسام سخن
- از آنجا که سنگ پایه‌ی فهم مراد متکلم بر کشف مدلول سخن او استوار می‌شود، جا دارد اقسام دلالت لفظ بر معنا را در اینجا متذکر شویم و میزان استحکام هر یک از آنها را ارزیابی کنیم. سخن به لحاظ دلالت بر معنا به سه قسم تقسیم می‌شود:

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۱ - نصّ: سخنی است که به وضوح بر معنای خاصی دلالت می‌کند، به گونه‌ای که احتمال هیچ معنای دیگری وجود ندارد. مانند: وأحلّ الله البيع (۳۰) که به صراحت بر حلال بودن خرید و فروش دلالت دارد.



## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۲ - ظاهر: سخنی است که در عین دارا بودن احتمالات گوناگون، یکی از آن معانی محتمل آشکارتر و احتمال آن قوی‌تر است، به گونه‌ای که در ارائه به عموم عقلاء، آنها همین معنا را از آن استفاده می‌کنند و چه بسا هیچ توجهی به سایر احتمالات پیدا نمی‌کنند؛ مانند: وأقيموا الصلوة (۳۱) که فرمان به اقامه‌ی نماز است و ظهور در وجوب دارد. ظاهر امر و فرمان همین مطلب است، هر چند احتمال استحباب، یا اباحه نیز وجود دارد.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- ۳ - مُجْمَل: سخنی که دارای احتمالات متعددی باشد و هیچ‌یک از آنها آشکارتر از دیگر احتمالات نباشد، به گونه‌ای که عموم عقلاء در برخورد با آن گرفتار حیرت شوند؛ مانند عبارتی که آن شخص در جواب سؤال از افضلیت علی بن ابی طالب و عمر بن الخطاب گفته بود: «من بنته فی بینه؛ کسی که دختر او در خانه‌ی اوست» که اگر مراد از «او» اول، رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم باشد، کسی که دختر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خانه‌ی اوست، علی علیه السلام می‌باشد و اگر مراد از «او» دوم، رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم باشد، کسی (از این دو) که دخترش در خانه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است عمر بن الخطاب می‌باشد.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- البته اگر قرینه‌ای بر تعیین مراد از مجمل و ترجیح یکی از احتمالات پیدا شود، سخن از اجمال خارج خواهد شد و در صورتی که قرینه به نحو قطعی مراد را تعیین کند، سخن در زمره‌ی «نص» و در صورتی که مراد را ظاهر سازد و احتمال معنایی خاص را تقویت کند، در شمار «ظاهر» قرار می‌گیرد.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- اگر سخن «نص» باشد، چون مفید یقین است، نتیجه‌ی آن قطع به مراد گوینده خواهد بود و اگر «ظاهر» باشد، ظن قوی به آن را افاده می‌کند که از آن به اطمینان یاد می‌شود\*، و در صورت «اجمال» مراد گوینده و نیت مؤلف بر ما مخفی می‌ماند.

– \*البته گاهی برای شخصی مفید ظن هم نیست هر چند برای نوع مردم مفید اطمینان باشد.

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- باید توجه داشت که یک سخن ممکن است از یک جهت «نص»، از جهت دیگری «ظاهر» و از حیث سومی «مجمّل» باشد. به عنوان مثال، آیهی شریفهی أحل الله البيع ممکن است از حیث دلالت بر حلال بودن خرید و فروش، «نص»، از حیث در بر گرفتن تمام انواع و افراد خرید و فروش، «ظاهر» و از حیث دلالت بر حلیت وضعی یا تکلیفی، «مجمّل» قلمداد شود. (۳۲)

## التعارض بين الدليل اللفظي و الدليل العقلي:

- از سوی دیگر، ظهور گاهی ناشی از وضع لغوی است که به آن «ظهور لغوی» گویند و زمانی نتیجه‌ی وضع عرفی است که از آن به «ظهور عرفی» یاد می‌شود. در برخی موارد نیز این ظهور حاصل از وضع در یک عرف خاص مانند منطق، فلسفه، یا فقه است که به تناسب حوزه‌ی آن به همان نام خوانده می‌شود و به ظهور منطقی، یا فلسفی، و یا فقهی، از آن یاد می‌گردد.